*مطالعات تاریخ اسلام*
*سال دوازدهم/ شمارهٔ ۴۴/ بهار ۱۳۹۹*

# میراث تمدنی شیعه در حلب (قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری)

سید احمدرضا خضری[۱]
سید محمدمهدی موسوی[۲]

**چکیده:** تمدن و معماری شیعه در حلب، با شروع حکومت شیعی حمدانی در آن شکل گرفت. این شهر در سال ۳۳۳ق. توسط سیف‌الدوله مرکز حکومت شیعی حمدانی شد. فعالیت این حکومت در ابعاد مختلف باعث رواج و تثبیت تشیع در این شهر شد. بعد از حمدانیان نیز سلسلهٔ شیعی مرداسی در این شهر حکومت کردند. یکی از ابعاد فعالیت حکومت و جمعیت شیعه در این شهر، فعالیت‌های تمدنی بود. عمران و آبادانی و شکوفایی ایجاد شده توسط دو حکومت شیعیِ حمدانی و مرداسی و جمعیت شیعهٔ حلب، آثار قابل توجهی از جمله توسعهٔ فعالیت‌های اقتصادی و ضرب سکه، فعالیت‌ها و توسعهٔ معماری و شهرسازی، نگهداری و مقاوم‌سازی قلعهٔ شهر، ساخت و توسعهٔ مکان‌ها و نمادهای شیعی را به همراه داشتند. در پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به کشف و بررسی کارکرد تمدنی و آثار تمدنی باقیمانده از شیعه در شهر حلب، در قرن‌های چهارم و پنجم قمری، با استفاده از داده‌های تاریخی موجود در منابع مربوط به این دوره پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** شیعه، حلب، آثار تمدنی، اقتصاد، ضرب سکه، معماری و شهرسازی، کتابخانه، قلعه، مشاهد شیعی

۱ استاد دانشگاه تهران(نویسنده مسئول) akhezri@ut.ac.ir
۲ دکترای تخصصی تاریخ اسلام smmm_1361@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۰۳ تاریخ تأیید:۹۷/۰۷/۲۴

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

# The heritage of Shi'a civilization in Aleppo of the fourth and fifth centuries(AH)

Seyyed Ahmad Reza Khezri[1]
Seyyed Mohammad Mahdi Mousavi[2]

**Abstract:** In 333, Aleppo became the center of Shiite Hamdani rule by Saif al-Dawlah. The activity of this government in various dimensions has led to the proliferation of Shiites in this city. After the Hamdanids, the Mardasid Shiite dynasty ruled in this city. One of the dimensions of Shiite government and population in this city was civilization activities. The works of civilization created by the two Shiite governments Hamdanid and Mardasid and Shiite population of Aleppo, were such as: the development of economic activities and coinage, activities and development of architecture and urbanization, the maintenance and rehabilitation of the castle of the city, the construction and development of the site ¬ Shiite symbols. The present study uses a descriptive-analytical method to explore the civilization and the effects of the remaining Shiite civilization in the city of Aleppo in the fourth and fifth centuries, using the sources of this period.

**Keywords**: Shiite, civilization, economic activity, coinage, architecture and urbanization, library, castle, Shiite shrines

1 Professor of Islamic History, Tehran University, (Corresponding Author) akhezri@ut.ac.ir
2 PhD Islamic History smmm_1361@yahoo.com

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

## مقدمه

حلب در سال ۳۳۳ق. توسط سیف‌الدوله، مرکز حکومت شیعی حمدانی شد. در قرن‌های چهارم و پنجم دو سلسلهٔ شیعی حمدانی و مرداسی در این شهر حکومت کردند. این دو سلسله و جمعیت شیعهٔ ساکن در این شهر، برای پیشبرد و تثبیت ماندگار حکومت و عقیده‌ای که به دنبال ترویج آن بودند، فعالیت‌های بسیاری در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی انجام دادند. این فعالیت‌ها باعث تبدیل شدن این شهر به یکی از مراکز شیعه شد که تا قرن یازدهم این مرکزیت حفظ شد. روشن است که رشد و تثبیت عقیده، بدون فعالیت و اقدامات مادی و تمدنی و همچنین فعالیت فرهنگی برای مردم تحت حکومت، میسر نخواهد بود. توان یا ناتوانی انجام فعالیت‌های تمدن‌ساز اقتصادی و شهرسازی و فراهم‌سازی زندگی راحت و آسوده برای مردم حاضر در شهر، کارآمدی یا ناکارآمدی عقیده‌ای را که داعیه برتری دارد، روشن خواهد کرد. بر همین اساس مسئله‌ای که در اینجا طرح می‌شود، این است که کارکرد تمدنی حکومت‌ها و تفکر شیعه -که در حلب حاکم شدند- و آثار و میراث تمدنی شیعه در حلب چه بود؟ مطالعه و بررسی آثار این دوره، گویای تلاش حکومت و جمعیت شیعه برای استقرار و اثبات کارآمدی عقیده و حکومت تشیع در این شهر است. میراثی که برخی از آن، تا قبل از اشغال حلب توسط داعش باقی بود.

## حلب در قرن‌های چهارم و پنجم قمری

حلب شهری در شمال سوریه امروز، نزدیک به مرزهای ترکیه و آخرین شهر بزرگ سوریه در شمال است. در اوایل قرن چهارم قمری -دورهٔ طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی- در سال ۳۳۳ق. در شهر حلب حکومتی به دست سیف‌الدوله علی‌بن عبدالله حمدانی تأسیس شد (ابن‌العدیم، ۱۴۱۸ق: ۱۱۲/۱؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق: ۲۱/۴۳؛ ابن‌تغری‌بردی، ۱۳۸۳ق: ۲۸۴/۳). وی مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی خود مطرح کرد و برای رسیدن به هدف تثبیت و ترویج تشیع، فعالیت‌های زیادی انجام داد (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۴۸/۲۶). بعد از پایان حکومت حمدانی در سال ۴۰۷ق، حلب حدود هشت سال تحت

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

حاکمیت فردی به نام «عزیزالدوله فاتک» بود که از طرف خلفای فاطمی مصر حکومت می‌کرد (ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۱۹۰/۱). بعد از آن نیز از سال ۴۱۵ تا ۴۶۹ق. مرکز حکومت شیعه مرداسی شد (حلبی، ۱۹۸۴م: ۳۲۶، ۳۴۹، ۳۵۰؛ انطاکی، ۱۹۰۹م: ۳۹۰؛ ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۱۹۹/۱، ۲۹۸، ۲۹۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ۲۳۰/۱۰، ۲۳۴).

در طول دورهٔ حکومت حمدانی، با وجود اینکه شیعه در حلب پیشینهٔ قابل توجهی نداشت و جمعیت غالب آن را اهل سنت تشکیل می‌دادند، با حمایت و سیاست‌گذاری‌های این حکومت، بیشتر جمعیت این شهر به مذهب شیعه گرویدند (ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۶۲۸/۲، ۴۵۲۷/۱۰)؛ به همین دلیل حلب به یکی از مراکز تشیع اثنی‌عشری تبدیل شد که دارای ابعاد گوناگون فرهنگی و تمدنی بود. در این دوره و دورهٔ حکومت مرداسی، با کوشش عالمان شیعه، حوزهٔ علمی و فقهی شیعه در این شهر پایه‌گذاری و فعال شد؛ تا جایی که فقها در این شهر براساس مذهب امامیه فتوا می‌دادند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م: ۲۸۳/۲؛ قفطی، ۱۹۰۳م: ۲۹۶).

### ۱. وضعیت اقتصادی حلب

حلب به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی شهری مهم بود و در نزدیکی مرزهای عراق و روم قرار داشت. مسیر کاروان‌های تجاری حجاز، عراق، دمشق و مصر به روم و بالعکس از حلب عبور می‌کرد؛ به همین دلیل طبیعی بود که در آن، دادوستدهای زیادی انجام شود و کالاهای تولید این منطقه نیز عرضه شود.

طبیعت زیبا و آب‌وهوای خوب این شهر در جذب مسافران و تاجران مؤثر بود. همچنین به دلیل داشتن آب و خاک مستعد، منطقهٔ مناسبی برای کشاورزی و باغداری بود (ابن‌العدیم، ۱۴۱۸ق: ۴۴۹/۱). چنانچه کشاورزی دیم، باردهی محصولات بدون نیاز به رسیدگی‌های خاص (قزوینی، ۱۳۷۳ش: ۲۳۸)، دشت‌های وسیع، آب فراوان و هوای لطیف، موقعیتی بسیار مناسب برای کشاورزی و باغداری در این شهر فراهم آورده بود.

سیف‌الدوله به منظور فراهم کردن شرایط مطلوب و امنیت اقتصادی در حلب، تلاش زیادی کرد تا اطمینان مردم و علما و طلاب حاضر در شهر، برای حضور بی‌دغدغه و تلاش علمی جلب شود. این تلاش وی موجب شد تا حلب شهری آباد و مرفه به شمار آید

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

(اصطخری، ۱۳۸۱ق: ۶۱). اقتصاد و بازار حلب فعال و پویا بود و اهالی این شهر بـه لحـاظ اقتصادی وضعیت مطلوبی داشتند. بدون تردید حکومت و امنیـتِ برقـرار شـده توسـط آن، برنامهٔ اداره مدبّرانهٔ امور و وضع مناسب مالیات‌ها، نقش مهمی در این رونـق و مطلوبیـت داشته است.

آبادی و تعداد زیاد بازارها، حمام‌هـا و مسـافرخانه‌هـای حلـب (ابـن‌حوقـل، ۱۹۳۸م: ۱۷۷/۱)، بزرگی بازارها و نظـم و نظـام شـهری (ابـن‌بطوطـه، ۱۴۱۷ق: ۲۷۴/۱)، اسـتقرار سلطان، برتری این شهر نسبت به سایر شهرها، مزارع و باغ‌های غلات و میوه و صادر شدن محصولات آن به عراق و مصر (مهلبی، ۲۰۰۶م: ۸۴؛ ابن‌العـدیم، ۱۴۱۸: ۶۱/۱)، از ثمـرات فعالیت اقتصادی حمدانیان به عنوان یک حکومت شیعی در این شهر بود. در دورهٔ مرداسی نیز همین اوضاع و رونق اقتصادی در شهر حلب برقـرار بـود (ناصرخسـرو، ۱۳۸۱ش: ۱۲؛ عمری، ۱۴۲۳ق: ۵۳۵/۳؛ ابن‌بطوطه، ۲۷۴/۱).

رونق اقتصادی ایجاد شده در دورهٔ حکومت‌های حمدانی و مرداسی، بـه انـدازه‌ای بـود که گرچه به سبب محاصره‌های رومیان (حلبی، ۳۰۰؛ ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۱۲۵/۱؛ ابوالفداء، ۱۴۱۰ق: ۱۰۳؛ ابـن‌جـوزی، ۱۹۹۲م: ۱۳۹/۱۴؛ ابـن‌شـحنه، ۱۴۰۴ق: ۳۲، ۵۰، فاطمیـان (مسکویه رازی، ۱۳۷۹ش: ۲۵۹/۷، ۲۶۱؛ ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۱۶۹/۱) و دیگر مهاجمان برای تصرف شهر، مردم به صورت مقطعی با کاهش و کمبود همراه می‌شدند، امـا هـیچ‌گـاه بـا مشکل جدی و یا قحطی مواجه نشده بودنـد (حلبـی، ۱۹۸۴م: ۳۴۸؛ ابـن‌العـدیم، ۱۴۱۸ق: ۲۱۰/۱، ۲۶۲–۲۶۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۱/۳۱).

محصولات کشاورزی حلب پنبه، ارزن، کنجد، خربزه، خیار، انگور، زردآلـو، سـیب، زیتون و انجیر بودند که فقط با آب باران عمـل مـی‌آمدنـد (قزوینـی، ۲۳۸؛ ابـن‌العجمـی، ۱۴۱۷ق: ۵۱۵/۱) و محصولات تجاری آن نیز آینه و شیشه، طلا، وسایل زینتی ظریف کـه به عنوان تحفه و هدیه استفاده می‌شد و صنایع دستی زیبا و عجیب بود که رونق فراوانی در این شهر داشتند (قزوینی، ۲۳۸). همچنین ساخت و تجارت و صادرات صابون حلب کـه از زیتون تهیه می‌شد، بسیار رونق داشت (ابن‌العجمی، ۵۱۵/۱).

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

## ضرب سکه

یکی دیگر از کارهای اقتصادی که به لحاظ میراث تمدنی بسیار اهمیت دارد، ضرب سکه بود که توسط حکومت حمدانی در حلب انجام گرفت. سیف‌الدوله در سال ۳۵۴ق. به مناسبت ازدواج پسرانش با دختران برادرش ناصرالدوله، سکه‌ای با نقش «لا اله الا الله، محمد رسول الله، امیر المؤمنین علی‌بن أبی‌طالب، فاطمةالزهراء، الحسن، الحسین، جبرئیل علیهم السلام» و پشت آن «امیرالمؤمنین المطیع لله الامیران الفاضلان ناصرالدوله و سیف‌الدوله الامیران ابوتغلب و ابوالمکارم» ضرب کرد (ابن‌ظافر، ۱۴۲۲ق: ۳۱). سکهٔ دیگری که توسط وی در همان سال در طرسوس ضرب شد، با نقش «لا اله الا الله، وحده - لا شریک له، سیف‌الدوله ابوالحسن، هذا الدرهم بطرسوس سنة أربع و خمسین» و پشت آن «الله محمد رسول‌الله صلی‌الله علیه المطیع لله» بود (سامر، ۱۹۷۳م: ۳۴۳؛ به نقل از هِنری ساویر).

سعدالدوله نیز پس از به دست گرفتن حکومت حلب و تعمیر و بازسازی مسجد جامع، دیوارهای شهر و بنای قلعه (ابن‌شحنه، ۵۰؛ ابن‌العجمی، ۱۴۱۸ق: ۵۲۹/۱)، سکهٔ جدیدی ضرب کرد (حلبی، ۳۰۳) که دربارهٔ نقش آن اطلاعی در دست نیست.

سعیدالدوله فرزند سعدالدوله در ۳۸۹ق. سکه‌ای با نقش «لا اله الا الله، وحده لا شریک له، سعیدالدوله ابوالفضائل بسم الله ضرب هذا الدرهم بحلب سنة تسع و ثمانین و ثلثمائة و لله الامر من قبل و من بعد» و پشت آن «الله محمد رسول الله صلی الله علیه الملک المنصورالحاکم بامرالله امیرالمؤمنین» ضرب کرد (سامر، همان‌جا) که نشان از اعلان تبعیت وی از الحاکم فاطمی دارد.

در ابتدای دورهٔ فرزندان سعیدالدوله، بعد از ۳۹۲ق. سکه با نقش «لا اله الا الله، وحده لا شریک له ابوالمعالی و ابوالحسن ابنا سعیدالدوله هذا الدرهم...» و پشت آن «محمد رسول الله صلی الله علیه و علی آله الامام المنصور ابوعلی الحاکم بامرالله امیرالمؤمنین» ضرب شد (سامر، ۳۴۴؛ به نقل از کاتالوک لین‌پول).

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]



## ۲. شهرسازی، معماری و هنر در حلب

حاکمان حمدانی و مرداسی در زمینهٔ آبادی و معماری شهر حلب فعال بودند. آنـان در بـه کارگیری هنر و فنون معماری کارهای جالب و درخور توجهی انجام دادند. آثار معمـاری و هنری مرداسیان به اندازهٔ حمدانیان نبود، اما به اندازه‌ای بود که مـورد توجـه مورخـان قرار گیرد و به عنوان میراث تمدنی آنان در منابع نقل شود. در کنار این حکومت‌ها و بعد از آنها، بزرگان شیعه نیز در حلب به انجام کارهای عمرانی و تمدنی توجه ویژه داشتند.

### دیوارها و برج‌های حلب

ساخت و معماری دیوارهای حلب به دلیل اینکه لشکرگاه بود، اسـتحکام و قـوت زیـادی داشت تا تقویت اقتدار و پایداری در مقابل حملات دشمن را در دوره‌های مختلـف زمـانی داشته باشد. این موضوع به‌ویژه در دورهٔ سیف‌الدوله که غالباً به جنگ و جهاد بـا رومیـان مشغول بود، اهمیت بیشتری پیدا کرد. گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی نیز این موضـوع را تأیید می‌کنند. حلب دارای باره‌ای عظیم با ارتفاع زیاد بود (ناصرخسرو، ۱۷). این دیوار کـه ابتدا توسط رومیان ساخته شده بود، بارها تخریب شد، اما توسط حاکمان شیعه، تعمیـر و بازسازی و به استحکام آن افزوده شد (ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۵۱/۱؛ ابن‌شداد، ۲۰۰۶م: ۵۹/۱).

این دیوار برج‌های دیدبانی متعددی داشت (سیرافی، ۱۳۸۱ش: ۱۴۴) که از بزرگ‌تـرین قلعه‌ها، دیوارها و مرزهای شام بود (عمری، ۵۳۵/۳). تعمیر، استحکام و تجدید بنای دیـوار

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

و برج‌های آن توسط سیف‌الدوله و پسرش سعدالدوله در حاشیهٔ بعضی برج‌ها ثبت شده بود (ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۵۱/۱؛ ابن‌شحنه، ۳۹، ۴۶؛ الغزی، ۱۴۱۹ق: ۱۳/۲). دیوار حلب قبل از حملهٔ روم در ایام سیف‌الدوله، از باب قِنَّسرین شروع می‌شد به سمت جنوب و قلعه می‌رفت و چون کوهِ قلعه در حکم دیواری مستحکم بود، در آن قسمت دیوار نبود (ابوالفداء، ۱۴۱۰، ۱۳۴؛ ابن‌العجمی، ۵۵۱/۱؛ الغزی، ۷/۲).

این بارو و دژ دارای شش دروازه بود. نام آنها عبارت بود از: «باب العراق» به سمت عراق؛ «باب قِنَّسرین» به سمت قِنَّسرین؛ «باب الانطاکیه» به سمت انطاکیه؛ «باب الجنان» به سمت باغ‌های حلب؛ «باب الیهود» که محلهٔ یهود در داخل این قسمت از شهر و قبرستان آنان در خارج این درب قرار داشت؛ و «باب الاربعین» (ناصرخسرو، ۱۷؛ سیرافی، ۱۴۴؛ ابن‌العدیم،۵۵) که رفت‌وآمدهای شهر از طریق این دروازه‌ها صورت می‌گرفت. دروازه‌ای به نام «باب السلامه» نیز وجود داشت که رومیان پس از استیلا بر حلب آن را خراب کردند. سیف‌الدوله پس از بازگشت به حلب، باب الانطاکیه و باب قنسرین را تجدید بنا کرد (ابن‌شداد، ۶۰/۱؛ ابن‌شحنه، ۳۹، ۴۶؛ الغزی، ۱۳/۲).

## قصر حلب

سیف‌الدوله پس از ورود به حلب، قصری عظیم و باشکوه در دامنهٔ جبل جوشن، با خاک و هوای عالی و مشرف بر نهر قُوَیق ساخت. متأسفانه! در منابع اسلامیِ موجود، توصیف جامعی از این قصر وجود ندارد، اما مورخان اروپایی، با استفاده از منابع بیزانسی، کاخ حلب را توصیف کردند.

فیصل سامر به نقل از «اندریه دانفیس» نوشته است که: «سیف‌الدوله بهترین مهندسان، ماهرترین تصویرگران و برجسته‌ترین بناها و نجارها را حاضر کرد تا در آن ساختمان کار کنند و این قصر را با عالی‌ترین و زیباترین زینت‌هایی که کاخ‌های فرمانروایان روم داشتند، آراسته کنند. هنگامی که برای نخستین بار درهای کاخ را گشودند، اعجاب‌انگیز بود. درب‌های برنزی با طرح‌ها و تصویرهای غریب و زیبا، با پاشنه و چارچوب‌هایی از بلور که با حرکت درب‌ها خورده نشود. با گذشتن از درب، سالن‌های پی‌درپی، با ستون‌های مُطَلّا و سیمین به چشم می‌خورد. در وسط، گنبدهایی منقش به گل و بوته و

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

در دو طرف، آیاتی از کتاب خدا با حروف کوفی و اشعاری با حروف ایرانی، باشکوه و دلربا نگاشته شده بود. تالار اصلی دارای پنج گنبد لاجوردی، با ۱۴۲ ستون مرمرین با روکش طلا و نقره و هزاران پنجره رنگین که روشنایی آن را تأمین می‌کرد، بود. در وسط هر ستون، گلدان‌هایی پر از گل و گیاهان کمیاب نصب بود. در وسط تالار داربستی عظیم از چوب آبنوس مُطلّا، با نقش امیر پیروزمند، مخصوص جلوس امیر و مقرّبان وی برپا شده بود» (سامر، ۱۵۸).

این قصر مساحتی حدود شش‌هزار متر داشت (ابن‌ظافر، ۳۲). در کنار آن محلی برای مسابقات اسب‌سواری ساخته شده بود که به همین دلیل به «حَلَبَه» معروف شده بود (الغزی، ۴۴/۳). سیف‌الدوله براساس خوابی که دیده بود، دستور داد دور قصر خندقی حفر شود تا آب نهر «قویق» به دور قصر بچرخد. این قصر در هجوم سال ۳۵۱ق. روم تخریب شد و اموال بسیاری از آن به غارت رفت و سیف‌الدوله نیز دیگر آن را بازسازی نکرد (مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۵؛ حلبی، ۲۹۱؛ ابن‌العدیم، ۳۵۰/۱؛ ابن‌شداد، ۹۳/۱؛ ابن‌العجمی، ۵۵۶/۱؛ ابن‌شحنه، ۶۱).

این توصیفات نشان دهندهٔ هنر فوق‌العاده و معماری بسیار زیبا و باشکوه بود که در این قصر به کار گرفته شده بود و طعنه به قصرها و بناهای موجود در سایر بلاد می‌زد. نکته‌ای که براساس مشاهدات نگارنده، در تمام آثار تاریخی بر جای مانده از گذشتهٔ حلب می‌توان مشاهده کرد، تأثیرپذیری از معماری بیزانس است. آنچه از نمادهای معماری اسلامی در حلب می‌توان دید، تنها طاق‌های معروف اسلامی است و به جز آن، در سایر نمادها کاملاً این معماری از روم تأثیر پذیرفته است. این نکته با توجه به حضور رومیان پیش از اسلام در این شهر و ادامهٔ سبک معماری رومی و حضور نداشتن معماران زبدهٔ مسلمان و به‌خصوص ایرانی در این منطقه، امری است که تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسد.

## قصر مَیّافارقین

مَیّافارقین در نزدیکی حلب قرار داشت. سیف‌الدوله این قصر را با نام «قصر العقیق» بنا کرد. وی در حسن عمارت و زیبایی آن بسیار تلاش کرد و مدتی در آن ساکن شد (ابن‌شداد، ۳۱۰/۳).

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

### قصر مرتضی‌الدوله

قصری بود که مرتضی‌الدوله آخرین حاکم حمدانی آن را در داخل باب الجنان ساخته بود (ابن‌العجمی، ۳۰۰/۲؛ ابن‌شحنه، ۶۰).

### مساجد حلب

مسجد از ابتدای اسلام در بین مسلمانان به عنوان مرکزی برای اجتماعات عبادی و سیاسی، پایگاهی فرهنگی برای بسط و گسترش فرهنگ دینی و مرکزی برای نشر علم و دانش و آگاهی بوده و هست. شیعه در حلب، چه به هنگام حکومت داشتن و چه بعد از آن، از کارکرد مساجد غافل نبود و به ساخت و تعمیر و استفاده از مساجد اهمیت می‌داد. به علاوه یکی از نمادهای تمدنی و معماری مسلمانان در هر دوره، مساجد بودند. بر همین اساس، در این قسمت به تعدادی از این مساجد اشاره می‌شود.

### جامع حلب

این مسجد توسط سلیمان‌بن عبدالملک (۹۶–۹۹ق) ساخته شد. سلیمان این مسجد را طوری ساخته بود که از لحاظ زیبایی و به کار رفتن سنگ‌های رخام و سنگ‌های زینتی دیگر، هم‌طراز و مقابل جامع دمشق باشد (ابن‌شداد، ۱۰۴/۱). ذکر جامع حلب در میراث شیعه به این دلیل است که این مسجد در حملهٔ روم در سال ۳۵۱ق. تخریب و به آتش کشیده شد و به عنوان اصطبل اسب مورد استفاده قرار گرفت. سیف‌الدوله پس از بازگشت به حلب، دستور بازسازی و تعمیر این مسجد را صادر کرد (حلبی، ۳۰۷؛ ذهبی، ۷/۲۶؛ ابن‌العجمی، ۲۰۷/۱–۲۰۹).

از جمله کارهای هنری که در این بازسازی انجام شد، آن بود که «قرعویه» غلام سیف‌الدوله، در حیاط مسجد فواره‌ای به طول هفت وجب با قبّه‌ای بر روی آن ساخت که نام وی در کنار آن بر روی سنگی نوشته شد. شیوهٔ کار این فواره به این شکل بود که آب از این فواره به صورت منقطع درون حوضی می‌ریخت و از آن حوض به درون حوضچه‌های کوچک‌تر و از این حوضچه‌ها به درون برکه‌ای می‌ریخت که به دور حوضچه‌ها کشیده شده بود (ابن‌شداد، ۱۰۵/۱؛ ابوالفداء، ۱۳۴،۱۱۶؛ ابن‌العجمی، ۲۱۸/۱؛ ابن‌شحنه، ۶۲؛ حنبلی، ۱۸۱/۲).

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

بعد از سیف‌الدوله، سعدالدوله این مسجد را بازسازی و تعمیر کرد (ذهبی، همان، ۷/۲۶؛ ابن‌العجمی، ۲۰۷/۱؛ الغزی، ۱۸۲/۲). مسجد دارای مناره‌ای کوتاه بود که در سال ۴۸۲ق. توسط قاضی ابوالحسن‌بن خشاب، تعمیر، مرتفع‌سازی و مستحکم شد (حلبی، ۳۷۳،۳۵۴؛ ابن‌القلانسی، ۱۹۷/۲؛ ابن‌العدیم، ۴۱۲/۱؛ ابن‌شداد، ۱۱۱/۱؛ ابن‌العجمی، ۲۱۹/۱). ابن‌بطوطه در وصف این مسجد نوشته است: «این مسجد از زیباترین مساجد است، در وسط آن نهر آبی جاری است و منبری مرصّع‌کاری از عاج و چوب آبنوس دارد» (ابن‌بطوطه، ۲۷۷/۱).

گفتنی است که در این مسجد مقامی به نام مقام زکریای نبی(ع) وجود دارد، اما در تاریخ مسجد نامی از مقام زکریا برده نشده است. آنچه در منابع گفته شده این است که در سال ۴۳۵ق. در شهر بعلبک، سر حضرت یحیی‌بن زکریا(ع) در صندوقی سنگی کشف شد. صندوق ابتدا به حماة و سپس به حلب منتقل شد (حلبی، همان، ۳۳۶) و در قلعهٔ حلب در «مقام الاعلی» یا همان «مقام ابراهیم» در کنار محراب، در خزانه‌ای قرار داده شد (هروی، ۱۴۲۳ق: ۱۶؛ ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۶۰/۱؛ همو، ۱۴۱۸: ۲۲۲/۱؛ ابن‌شداد، ۱۲۳/۱). البته در سال ۶۵۹ق. با حملهٔ مغول مقداری از قلعه تخریب و این مقام به آتش کشیده شد؛ به همین دلیل حاکم حلب این سر را به مسجد جامع منتقل و آن را کنار منبر دفن کرد (ابن‌شداد، ۱۲۴/۱؛ ابن‌العجمی، ۲۰۷/۱). براساس گزارش برخی دیگر از منابع، سر حضرت یحیی(ع) در جامع دمشق مدفون است (ابن‌الفقیه، ۱۴۱۶ق: ۱۵۸؛ ابن‌عساکر، ۲۴۱/۲؛ ابن‌جبیر، [بی‌تا]: ۲۲۱؛ ابن‌کثیر، [بی‌تا]: ۵۵/۲). یاقوت حموی نیز بر این باور است که قطعه‌ای از سر در حلب و قسمت اصلی آن در دمشق مدفون است (یاقوت حموی، ۴۶۹،۲۸۴/۲).

طرح شدن نام حضرت زکریا به تنهایی، در نقل ابن‌الوردی در حوادث حدود سال ۷۳۸ق. بود که ناظر اوقاف حلب به وجود سر حضرت زکریا(ع) در این مکان شک کرد. لذا وارد محل آن شد و قطعه‌ای از جمجمه را در صندوق دید (ابن‌الوردی، ۱۴۱۶ق: ۳۰۵/۲). در این نقل، فقط به حضرت زکریا اشاره شده و نامی از حضرت یحیی برده نشده است. این موضوع نشان می‌دهد که با گذشت زمان، از حدود همین سال‌ها، نام حضرت یحیی از این مقام حذف شده و به نام حضرت زکریا معروف شده بود. حال آنکه طبق نقل

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

منابع گذشته، این مقام محل نگهداری قسمتی از سر حضرت یحیی(ع) بوده است.

**مسجد غضائری**

این مسجد اولین مسجدی بود که مسلمانان پس از فتح حلب آن را ساختند. ابوعبیده جراح هنگام ورود به حلب از باب الانطاکیه، مکان آن را داخل دروازه علامت‌گذاری کرد و دستور ساخت آن را داد. مسجد غضائری در عهد سیف‌الدوله بازسازی شد و امام جماعت آن «ابن‌سنان الخفاجی» بود. این مسجد ابتدا به نام «مسجد أتراس» مشهور بود و سپس به «غضائری» تغییر نام داد (ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۶۰/۱، ۴۶۸۲/۱۰؛ ابن‌العجمی، ۱۴۱۷ق: ۳۰۷/۱).

**مسجد غوث**

این مسجد داخل باب العراق بود. در این مسجد قطعهٔ ستونی از سنگ قرار داشت که مردم حلب اعتقاد داشتند امیرالمؤمنین علی(ع) به هنگام رفتن به صفین، به وسیلهٔ یک نیزه بر روی این سنگ چیزی نوشته بود. این سنگ از رقّه به این مسجد آورده شده بود (یاقوت حموی، همان، ۲۸۴/۲؛ ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۶۱/۱).

**مسجد لؤلؤ الجراحی**

این مسجد در زمان زمامداری لؤلؤ سیفی، به دستور وی بین باب الیهود و باب الجنان، به نام خودش بنا شد و در معماری آن کوشش و هنر فراوانی به کار رفت (ابوالفداء، ۱۴۸).

**مسجد جُرْنُ‌الاصفر**

این مسجد توسط قاضی شیعه ابوالحسن‌بن خشاب، با نوعی سنگ زرد که از خارج حلب آورده شده بود، ساخته شد (ابن‌شداد، ۱۱۳/۱؛ ابن‌العجمی، ۲۲۱/۱).

مساجد دیگری نیز در شهر حلب وجود داشت که یا توسط بزرگان شیعه ساخته شده بود و یا توسط حکومت و بزرگان شیعه مورد تعمیر و استفاده قرار گرفته بود، اما به دلیل کم بودن اطلاعات درباره آنها فقط به نامشان اشاره می‌شود: مسجد الظاهر (ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۱۹۱/۹)؛ جامع بانقوسا (ابن‌شداد، ۱۲۱/۱؛ ابن‌العجمی، ۲۳۵/۱؛ الغزی، ۲۶۰/۲)؛

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

مسجد جامع در داخل قلعه (ابن‌العدیم، ۶۲/۱)؛ مسجد باب الاربعین (همان، ۱۷۱۸/۴)؛ مسجد حضرت خضر(ع) (همان، ۳۲۸۱/۷) و مسجد القصر (الغزی، همان، ۶۳/۱).

## حمام‌های حلب

ابن‌حوقل در کتاب *صورة الارض* حلب را در عصر حمدانی بسیار آباد و صاحب بازارها، حمام‌ها و مسافرخانه‌های فراوان توصیف کرده است (ابن‌حوقل، ۱۷۷/۱). همان‌طور که از این توصیف معلوم می‌شود، از جمله کارکردهای عمرانی شیعه در حلب، تأسیس حمام-هایی بود تا نظافت مردم در شهر به راحتی و سهولت تأمین شود.

### حمام الساحه

این حمام در جنوب شهر، توسط سیف‌الدوله ساخته شد و نمونه‌ای از معماری این شهر به شمار می‌رفت (الغزی، ۱۰۶/۲).

### حمام ابن‌مستفاد

مستفاد یکی از غلامان سیف‌الدوله بود. پسر وی در حلب حمامی ساخت که تا زمان ابن‌العدیم در قرن هفتم پابرجا بود و از آن استفاده می‌شد (ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۱۶۱/۹).

### حمام سبیعی

«ابومحمد همدانی سبیعی» از علمای شیعهٔ حلب، حمامی برای علویان ساخت و وقف کرد (ذهبی، ۴۹۵/۲۶).

### حمام واسانی

واسانیِ شاعر، حمامی در دورهٔ حمدانی ساخت. اداره و منفعت این حمام توسط سعیدالدَوله در اختیار خود وی قرار گرفت (ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۲۳۳۳/۵).

## کتابخانهٔ حلب

سیف‌الدوله به علم و عالمان بسیار ارج می‌نهاد و برای حضور اهل علم در حلب ارزش

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

ویژه قائل بود (ثعالبی، ۱۳۷۵ق: ۲۴/۱؛ ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۲۲۷۴/۵، ۲۴۳۴؛ ابن‌شداد، همان، ۳۰۲/۳). این موضوع باعث گرد آمدن عالمان بسیاری در شهر شد؛ به همین دلیل وجود کتابخانه‌ای که نیازهای علمی طالبان علم در آن برطرف شود، امری بسیار لازم و ضروری بود. با توجه به این ضرورت، سیف‌الدوله در حلب کتابخانه‌ای تأسیس و برای آن ده‌هزار جلد کتاب وقف کرد (ذهبی، ۴۹۹/۳۰). این کتابخانه در قسمت شرقی مسجد جامع حلب قرار داشت و به «خزانة الصوفیه» معروف بود (ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۱۵۶/۹، ۴۳۴۸/۱۰). مؤلف کتاب *نهر الذهب فی تاریخ حلب* به وجود کتابخانه‌های فراوان در شهر حلب اشاره کرده است که در حملهٔ تیمور لنگ از بین رفتند و اثری از آنها در حلب باقی نماند (الغزی، ۱۴۲/۱).

### ۳. قلعه حلب

شهر حلب قلعه‌ای بسیار مستحکم و باشکوه داشت که تا امروز هم بخش‌های اصلی آن بر جای خود باقی است. قلعه‌ای عظیم که بر سنگ نهاده شده بود (ناصرخسرو، ۱۷) و از لحاظ استحکام و امنیت در مرتبهٔ بالایی قرار داشت و نظیر و شبیهی نداشت (ابن‌جبیر، ۲۰۲). براساس مشاهدات میدانی نگارنده، مقداری از آثار و ابنیه آن از بین رفته و در طول زمان دستخوش تغییر و تحول شده، اما خود قلعه و بسیاری از مکان‌های داخلی آن هنوز باقی و پابرجاست. موقعیت و مهندسی استراتژیک قلعه به گونه‌ای است که حتی امروزه نیز اگر از توانایی‌های پیشرفتهٔ نظامی استفاده نشود، فتح آن کاری ناممکن و یا بسیار سخت است. در حمله‌هایی که در طول دوره‌های مختلف به شهر حلب می‌شد، به دلیل آنکه قلعه بر فراز کوهی بنا شده و باروها و دیوارهای مستحکمی دارد، اگر به صورت صلح در اختیار فاتح قرار نمی‌گرفت، در اختیار پناه‌گیرندگان در آن باقی می‌ماند.

معماری قلعه به صورتی است که فقط در صورت باز بودن درب‌ها، ورود و خروج ممکن است. در داخل قلعه چاه‌هایی برای تأمین آب شرب حفر شده و چون هوای قلعه به گونه‌ای است که مواد غذایی در آن فاسد نمی‌شد (ابن‌بطوطه، ۲۷۴/۱)، ذخیرهٔ مواد غذایی تا چند ماه ممکن بود؛ به همین دلایل سپاه روم با تعداد زیاد و تجهیزات فراوان، موفق به فتح این قلعه نشدند و فقط مقدار زیادی از دیوارهای قلعه را تخریب کردند

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

(حلبی، ۳۰۰؛ ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۱۲۵/۱). سیف‌الدوله بعد از خروج رومیان از حلب، مقداری از دیوارها را ترمیم و بازسازی کرد. بعد از وی، سعدالدوله بقیهٔ خرابی‌های قلعه را تعمیر کرد. وی برخلاف سایر امرا و حاکمان که در قلعه سکونت نمی‌کردند، در قلعه ساکن شد (ابن‌العجمی، همان، ۵۲۹/۱؛ ابن‌شحنه، ۴۹؛ الغزی، ۲۴/۲).

### ۴. مشاهد شیعی در حلب

در حلب مکان‌هایی مربوط به اهل بیت – علیهم‌السلام – وجود داشت که بعضی از آنها قبل از حضور و حکومت شیعه ساخته شده و مورد توجه و احترام مردم بودند. بعضی دیگر بعد از حضور شیعه ساخته شدند و به دلیل اظهار و رواج تشیع در حلب، این مزارها و زیارتگاه‌ها اهمیت و احترام بیشتری پیدا کردند و مورد توجه قرار گرفتند. بررسی صحّت بعضی از اطلاعات دربارهٔ این مکان‌ها تا حدودی زمان تأسیس و توجه به آنها را مشخص خواهد کرد. این مزارها عبارت بودند از:

### مشهد علی(ع)

سه نقطه در حلب با این عنوان معروف بود. اولین مکان که قبل از حکومت شیعه در حلب وجود داشت، در باب العراق، داخل مسجد غوث بود. در این مکان سنگی بود که معروف بود امیرالمؤمنین(ع) به هنگام رفتن به صفین، بر روی آن با نوک نیزه چیزی نوشتند. این سنگ از «رقّه» به این مکان آورده شده بود (یاقوت حموی، ۲۸۴/۲؛ هروی، ۱۶؛ ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۴۶۱/۱). دومین مکان در ساحل غربی نهر غُوَیق بود. ساخت این مکان به واسطهٔ خوابی بود که شخصی دید و چون پس از جست‌وجو، نشانه‌های گفته شده در خواب درست و صحیح بود، مشهدی به نام حضرت ساخته شد (ابن‌شداد، ۱۵۷/۱).

مکان سوم در داخل باب الجنان بود. به نقل از ابن‌أبی‌طی، در سال ۵۱۲ق. مریضی در این محل توسط حضرت شفا گرفت و به دستور خود حضرت این محل تبدیل به مشهد و محل عبادت شد. در این مورد نیز حضرت برای قبول ادعای این شخص، نشانه‌ای بیان کرده بودند که در محل یافت شد و محل تبدیل به زیارتگاه شد (ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۶۴/۱؛ هروی، ۱۶؛ ابن‌شداد، ۱۴۶/۱؛ ابن‌شحنه، ۸۴).

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

**مشهد الحسین(ع)**

برخی محققان معاصر این مکان را «مشهد النقطه» نامیده‌اند (نصرالله، ۱۴۰۳ق: ۲۷–۳۰؛ حسینی جلالی، ۱۴۱۵ق: ۲۳۶؛ خامه‌یار، ۱۳۹۳: ۱۴۲–۱۴۵). اسرای کربلا در انتقال به شام، شبی را در جبل جوشن، در شمال حلب متوقف شدند (ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۴۱۱/۱؛ یاقوت حموی، ۱۸۷/۲). براساس یک نقل، سر امام حسین(ع) در این مکان، بر روی سنگی قرار داده شد و قطره‌هایی از خون بر آن سنگ چکید؛ به همین دلیل این مکان تبدیل به مشهد و زیارتگاه شد (الغزی، همان، ۲۱۲/۲). این مطلب تنها در کتاب *نهر الذهب فی تاریخ حلب* که منبعی متأخر و مربوط به قرن چهاردهم قمری است، نقل شده و اینکه این مطلب از چه منبعی نقل شده، بیان نشده است. علاوه بر این کتاب، هیچ منبعی وجود مشهد النقطه در حلب را تأیید نکرده است. در منابع مربوط به حلب، به‌ویژه در کتاب *الإشارات الی معرفة الزیارات* که خاص موضوع زیارتگاه‌ها نگارش یافته، از این مشهد هیچ مطلبی نقل نشده است. در مسیر حرکت کاروان اسرا دو نقطه در شام به عنوان محل ریخته شدن خون سر بر روی سنگ نقل شده است. یکی مشهد الحجر در بالِس (هروی، همان، ۵۷؛ ابن‌العدیم، [بی‌تا]: ۴۷۰/۱) و دیگری مشهد النقطه در شهر نصیبین (هروی، ۶۰). ابن‌شهرآشوب نیز ماجرای نگه داشته شدن سر حضرت در دیر قِنَّسرین و ماجرای راهب آن را بیان کرده است (ابن‌شهرآشوب، [بی‌تا]: ۶۰/۴) که تمام آنها ارتباطی با حلب نداشتند. علاوه بر این با توجه به تعظیم و بزرگداشت مشاهد مربوط به اهل بیت – علیهم‌السلام – توسط سیف‌الدوله و مردم حلب، مخروبه شدن مکانی با این اهمیت بسیار بعید به نظر می‌رسد و نبود حتی یک گزارش در این مورد، پذیرش این موضوع را که مشهد النقطه در حلب بوده است، بسیار سخت و ناممکن می‌کند.

گفتنی است دربارهٔ تاریخ تأسیس مشهد الحسین(ع) که امروزه هم بنای آن در دامنهٔ جبل جوشن پابرجاست، از ابن‌أبی‌طی نقل شده و در سال ۵۷۳ق. شخصی با دیدن خوابی در این مکان، مأمور رساندن دستور تأسیس مکانی به نام مشهد الحسین(ع) به مردم حلب شد. وی برای ادعای خود نشانه‌هایی بیان کرد. مردم و بزرگان حلب با صحیح یافتن نشانه‌های گفته شده، به صدق ادعای این شخص پی بردند و ساخت این مکان را در همان سال آغاز

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

کردند. ساخت این مشهد در سال ۵۸۵ق. به پایان رسید. در ساخت این بنا الملک‌الصالح نیز مشارکت کرد (ابن‌شداد، همان، ۱۵۲/۱–۱۵۴) و معماران، بنّاها و کارگران بسیاری فقط برای به منظور بهره‌مند شدن از ثواب، بدون دریافت مزد کار کردند و هنر خود را در بنای آن به نمایش گذاشتند (ابن‌العدیم، همان، ۴۱۲/۱؛ ابن‌شداد، ۱۵۲/۱؛ ابن‌شحنه، ۸۵؛ الغزی، ۲۱۱/۲). یاقوت حموی مکان این مشهد را در محل دیر «مارْت مَرُوثا» که سیف‌الدوله بسیار به آن رفت و آمد داشت، نقل کرده و علت ساخت آن را خوابی دانسته که در آن امام حسین(ع)، در این مکان نماز اقامه کردند (یاقوت حموی، ۵۳۱/۲). صلاح‌الدین ایوبی نیز پس از تصرف حلب، به زیارت این مکان رفت و برای آن ده‌هزار درهم انفاق کرد (ابن‌شداد، ۱۵۴). پسرش الملک‌الظاهر نیز موقوفه‌ای برای آن قرار داد (همان، همان‌جا).

البته دربارهٔ سنگی که در این مکان موجود و معروف است که سر امام حسین(ع) بر روی آن قرار داده شده بود، قدیمی‌ترین منبعی که در این مورد مطلبی بیان کرده، کتاب *کنوز الذهب فی تاریخ حلب* مربوط به قرن نهم قمری است. در این کتاب نقل شده است که: در محل «درب الشحام» ایوانی متعلق به بنوزهره وجود دارد و در آن از سنگ‌هایی شبیه به سنگ موجود در مشهد استفاده شده است. گفته می‌شود سنگ مشهد از این سنگ‌ها گرفته شده و در این مکان قرار داده شده است (ابن‌العجمی، ۱۴۱۷ق: ۴۹۳/۱). طبق مشاهدات نگارنده، سنگ‌هایی که در محوطهٔ داخلی مشهد مورد استفاده قرار گرفته، نیز کاملاً شبیه به همین سنگ است. البته بعید نیست که این سنگ، از یکی از مشاهد بالس یا نصیبین، به این نقطه منتقل شده باشد. گرچه نقلی در این زمینه وجود ندارد و هرگونه اظهار نظری بدون سند، صرفاً احتمال و غیرقابل اثبات است.

**مشهد الدکه یا مشهد محسن**

این مکان که به «مشهد سقط» نیز مشهور است، در دامنهٔ جبل جوشن کمی با فاصله از مشهدالحسین(ع) قرار دارد (هروی، ۱۶). «دکه» به معنای مکان مرتفعی است که بر روی آن می‌نشینند (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۸/۱). سیف‌الدوله، دکه و جایگاهی بر روی جبل جوشن داشت که مناظر شهر و مسابقات اسب‌سواران را از این مکان مشاهده می‌کرد. در سال

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

۳۵۱ق. از این جایگاه چندین بار دید که نوری از آسمان بر مکان این مشهد تابید. وی به این مکان رفت و با کندن زمین آن به سنگی رسید که بر روی آن نوشته شده بود: «هذا قبر المحسن‌بن حسین‌بن علی‌بن أبی‌طالب علیهم السلام». با دیدن این سنگ، سیف‌الدوله علویان و سادات حاضر در شهر را جمع کرد و از آنها دربارهٔ این فرزند امام حسین(ع) پرسید. بعضی محسن را فرزند امام علی(ع) دانستند و بعضی دیگر بنا به روایت گذشتگان، از نگهداری اسرای کربلا در این مکان خبر دادند. بر اساس این خبر، این احتمال طرح شد که یکی از زنان باردار بوده و فرزند خود را در اینجا از دست داده است. این گروه سالم بودن لوح را نشان تأیید این احتمال دانستند. با شنیدن این سخنان سیف‌الدوله گفت: «این مکان جایی است که خدای تعالی به ما اجازهٔ ساخت آن را عنایت کرده است و من به نام اهل بیت –علیهم السلام– آن را بنا می‌کنم». لذا این مشهد ساخته شد و به نام «مشهد سقط» یا «مشهد محسن» معروف و به زیارتگاه تبدیل شد (ابن‌العدیم،۱۴۱۸: ۶۲/۱، ۴۱۲؛ یاقوت حموی، ۱۸۶/۲، ۲۸۴؛ ابن‌شداد، ۱۴۷/۱).

در دورهٔ بنی‌مرداس در سمت شمال، مسجدی به این مشهد اضافه شد (ابن‌شداد، ۱۵۰/۱). در سال ۵۱۸ق. در محاصرهٔ شهر توسط رومیان، ضریح آن تخریب و به آتش کشیده شد (ابن‌العدیم، ۱۴۱۸: ۶۲/۱، ۴۱۲). در سال ۵۸۲ق. توسط آقسنقر تعمیر و برای آن منبع آب ساخته شد. همچنین موقوفه‌ای برای آن مقرر و ضریح آن با نقره تزئین شد (ابن‌شداد، ۱۵۱،۱۵۰/۱). نورالدین زنگی دستور ساخت یک حوض ساروجی و وضوخانه‌ای بزرگ را برای آن داد. الملک‌الظاهر نیز آن را تعمیر کرد (همان، ۱۵۱). در حملهٔ مغول‌ها این مشهد نیز مانند مشهد الحسین(ع) و سایر مکان‌های مهم شهر غارت و تخریب شد (همان، ۱۵۲). قبل از تصرف حلب توسط داعش، ضریحی در این زیارتگاه قرار داشت که هزینهٔ آن توسط شیعیان دانمارک تأمین شده بود (مشاهدات نگارنده).

**مشهد الاحمر**

این مشهد در بالای کوه جوشن قرار داشت. اهالی حلب برای دعاها و حاجت‌های بسیار مهم خود، به این مکان می‌رفتند و پس از نماز و دعا حاجت می‌گرفتند (ابن‌شداد، ۱۵۷/۱). در مورد این مشهد هم نقل شده است که بعضی از صالحان در رؤیا، حضرت فاطمه(س) را

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

در این مشهد در حال نماز دیده بودند. این مشهد نیز دارای گنبدی زیبا و خوش‌ساخت و یک حوض ساروجی بود (همان).

## نتیجه‌گیری

کارکردهای تمدنی حکومت‌های شیعی حمدانی و مرداسی و عالمان و مردم شیعهٔ حلب برای استقرار تشیع در این شهر و تثبیت ماندگار حکومت و عقیده‌ای که به دنبال ترویج آن بودند، در کنار فعالیت‌های علمی و فرهنگی، کارکردی فعال و مؤثر بود. فعالیت و اقدامات مادی و تمدنی، برای زندگی راحت و آسودهٔ مردم شهر از یاد برده نشد و فعالیت‌های زیادی انجام گرفت. آثار و میراث تمدنی شیعه در حلب عبارت بود از:

۱. توسعهٔ فعالیت‌های اقتصادی مثل تجارت، کشاورزی، باغداری، صنایع دستی و همچنین ضرب سکه؛
۲. فعالیت‌ها و توسعهٔ معماری و شهرسازی و ساخت ابنیهٔ مورد نیاز مردم، مانند دیوار و حصار شهر، مساجد، حمام‌ها و کتابخانه؛
۳. تعمیر و نگهداری و مقاوم‌سازی قلعهٔ شهر؛
۴. ساخت و توسعهٔ مکان‌هایی که به عنوان نماد و مشاهد شیعی حلب شیعی مطرح بودند.

این موارد بخشی از فعالیت‌های تمدنی و میراث تمدنی شیعه در شهر حلب بود که در منابع ثبت شده و به آنها اشاره شده است.

## منابع و مآخذ


- ابن‌اثیر، ابوالحسن علی (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۰، بیروت: دار صادر.
- ابن‌بطوطه، أبی‌عبدالله محمد (۱۴۱۷ق)، *تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار*، تحقیق عبدالهادی التازی، ج ۱، رباط: اکادیمیة المملکة المغربیه.
- ابن‌تغری‌بردی، جمال‌الدین یوسف (۱۳۸۳ق)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، ج ۳، مصر: وزارة الثقافه.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن‌بن علی (۱۹۹۲م)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱۴، بیروت: دار الکتب العلمیه.


[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

– ابن‌الحنبلی، محمدبن ابراهیم (۱۴۰۹ق)، *الزَبَد و الضَرَب فی تاریخ حلب*، تحقیق محمد التونجی، کویت: مرکز المخطوطات و التراث.
– ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۸م)، *صورة الارض*، ج۱، بیروت: دار صادر.
– ابن‌جبیر، ابوالحسن محمدبن احمد [بی‌تا]، *رحلة ابن‌جبیر*، تحقیق لجنة تحقیق التراث، بیروت: مکتبة الهلال.
– ابن‌شحنه، ابوالفضل محمد (۱۴۰۴ق)، *الدر المنتخب فی تاریخ مملکة حلب*، تحقیق أبی‌الیمن البترونی و عبدالله محمد درویش، سوریه: دار الکتاب العربی، چ ۲.
– ابن‌شداد، عزالدین محمدبن علی (۲۰۰۶م)، *الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره*، تحقیق یحیی زکریا عباره، ج۱، ۳، دمشق: وزارة الثقافه.
– ابن‌شهرآشوب، محمدبن علی [بی‌تا]، *مناقب آل أبی‌طالب*، تحقیق محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی، ج۴، قم: انتشارات علامه.
– ابن‌ظافر، علی (۱۴۲۲ق)، *اخبار الدول المنقطعه*، تحقیق علی عمر، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیه.
– ابن‌العجمی، سبط احمدبن ابراهیم الحلبی الشافعی (۱۴۱۷ق)، *کنوز الذهب فی تاریخ حلب*، تحقیق شوقی شعث و فالح البکور، ج۱، ۲، حلب: دار القلم.
– ابن‌العدیم، کمال‌الدین عمربن احمد [بی‌تا]، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، تحقیق سهیل زکار، ج۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰، بیروت: دار الفکر.
– ..... (۱۴۱۸ق)، *زبدة الحلب فی تاریخ حلب*، تحقیق سهیل زکار، ج۱، دمشق: دار الکتب العربی.
– ابن‌عساکر، ابوالقاسم علی‌بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، ج۲، ۴۳، بیروت: دارالفکر.
– ابن‌الفقیه، احمدبن محمد (۱۴۱۶ق)، *مختصر البلدان*، بیروت: عالم الکتب.
– ابن‌القلانسی، حمزةبن اسد (۱۴۰۳ق)، *تاریخ دمشق*، تحقیق سهیل زکار، ج۲، دمشق: دار حسان.
– ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمر [بی‌تا]، *البدایة و النهایه*، تحقیق خلیل شحاده، ج۲، بیروت: دار الفکر.
– ابن‌الوردی، عمربن مظفر (۱۴۱۶ق)، *تاریخ ابن‌الوردی*، تحقیق محمدعلی بیضون، ج۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.
– ابوالفداء، اسماعیل (۱۴۱۰ق)، *البواقیت و الضَرَب فی تاریخ حلب*، تحقیق محمد کمال و فالح البکور، حلب: دار القلم العربی.
– اصطخری، ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد الفارسی (۱۳۸۱ق)، *المسالک و الممالک*، تحقیق محمد جابر عبدالعال الحینی، قاهره: الهیئة العامة لقصور الثقافة.
– الانطاکی، یحیی‌بن سعید (۱۹۰۹م)، *تاریخ الانطاکی*، بیروت: الآباء الیسوعیین.
– ثعالبی، ابومنصور عبدالملک‌بن محمد (۱۳۷۵ق)، *یتیمة الدهر فی محاسن اهل العصر*، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، ج۱، قاهره: مطبعة السعادة.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

– حسینی جلالی، محمدحسین (۱۴۱۵ق)، *مزارات اهل البیت و تاریخها*، بیروت: مؤسسهٔ اعلمی، چ۳.
– خامه‌یار، احمد (۱۳۹۳ش)، *آثار پیامبر و زیارتگاه‌های اهل بیت در سوریه*، تهران: نشر مشعر.
– ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج۲۶، ۳۱، بیروت: دار الکتاب العربی، چ ۲.
– سامر، فیصل (۱۹۷۳م)، *الدولة الحمدانیه فی الموصل و حلب*، بغداد: مطبعة الایمان.
– سیرافی، ابوزید حسن‌بن یزید (۱۳۸۱ش)، *سلسلة التواریخ یا اخبار الصین و الهند*، تحقیق حسین قره‌چانلو، تهران: اساطیر.
– حلبی، محمدبن علی عظیمی(۱۹۸۴م)، *تاریخ حلب*، تحقیق ابراهیم زعرور، دمشق: [بی‌نا].
– عمری، احمدبن یحیی‌بن فضل‌الله (۱۴۲۳ق)، *مسالک الابصار فی ممالک الامصار*، تحقیق جمعی از پژوهشگران، ج۳، ابوظبی: المجمع الثقافی.
– الغزی، کامل‌بن حسین البالی الحلبی (۱۴۱۹ق)، *نهر الذهب فی تاریخ حلب*، تحقیق شوقی شعث و محمود فاخوری، ج۱، ۲، ۳، حلب: دار القلم، چ۲.
– فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، ج۱، قم: مؤسسهٔ دارالهجرة، چ۲.
– قزوینی، زکریابن محمود (۱۳۷۳ش)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
– قفطی، علی‌بن یوسف (۱۹۰۳م)، *اِخبار العلما باخبار الحکماء (تاریخ الحکما)*، لیدن.
– مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۹ش)، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، ج۷، تهران: سروش، چ۲.
– مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۴۱۱ق)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، قاهره: مکتبة مدبولی، چ۳.
– مهلبی، حسن‌بن احمد (۲۰۰۶م)، *کتاب العزیزی أو المسالک و الممالک*، تحقیق تیسیر خلف، دمشق: التکوین للطباعة و النشر و التوزیع.
– ناصرخسرو قبادیانی(۱۳۸۱ش)، *سفرنامه*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات زوار، چ۷.
– نصرالله، ابراهیم (۱۴۰۳ق)، *حلب و التشیع*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
– هروی، ابوالحسن علی‌بن ابوبکر (۱۴۲۳ق)، *الاشارات الی معرفة الزیارات*، تحقیق علی عمر، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیه.
– یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، ج۲، بروت: دار صادر، چ۲.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.44.2.0 ]
[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-12 ]